

شاخصه های نفاق از دیدگاه آیات قرآن^۱

چکیده

از جمله پدیده هایی که در صدر اسلام خود را نمایان ساخت و به عنوان مهمترین چالش و خطر درونی این دین مبین را مورد تهدید قرارداد، پدیده ی نفاق است. نفاق به معنای دورویی و به ظاهر نشان دادن آنچه در دل اعتقاد و باوری بر آن نیست، اصطلاحی است که از صدر اسلام رواج یافته است و در قرآن کریم موارد متعددی از افراد منافق نام برده شده و از فسق و کفر آنها سخن رفته است. با توجه به اینکه نفاق در تعالیم دینی به عنوان یکی از بزرگترین رذایل اخلاقی شناخته شده و به عنوان یک خطر درونی جامعه نوپا و انقلابی را مورد تهدید قرار می دهد ضروری بنظر می رسد تحقیقی به عنوان شاخصه های نفاق از دیدگاه آیات ارائه شود از آنجایی که شناسایی چهره خبیث و پلید افراد منافق بر هیچ کس پوشیده نیست هدف این تحقیق شناختن افراد منافق و شاخصه های آنها می باشد که در قرآن به موارد زیادی از شاخصه های نفاق نظیر تمسخر مؤمنان، سوگند دروغ، کسالت و خودنمایی در عبادت و.... پرداخته است. این تحقیق، با روش تفسیری، توصیفی کتابخانه ای جمع آوری شده است، مطالعه انجام گرفته حاکی از این است که قرآن نیز همواره انسان ها را به دوری از افراد منافق و شناسایی چهره این افراد تشویق می کند، چرا که با دور بودن از این دسته، افراد همیشه از آسیب های اجتماعی و روحی به دور خواهند بود. این تحقیق به شکلی گذرا و مختصر به بررسی این صفت زشت اخلاقی با استفاده از آیات می پردازد.

واژگان کلیدی: شاخصه، نفاق، دیدگاه، آیات، دورو، منافق

^۱. مهلا امیری

دین مبین اسلام در گذر زمان با فراز و نشیب های بسیاری روبرو شده و دشمنی های فراوانی را از سوی گروه های مختلف به خود دیده است. بخشی از این دشمنی ها از سوی کسانی اعمال شده است که بالباس دینداری و تظاهر به ایمان به مقابله ی غیر محسوس با این دین قیام کرده اند. منافق یاد و رو کسی است که در آشکار ادعای مسلمانی کند و در نهان کفر ورزد. کسی که بتوان اظهار ایمان کند و کفر را در قلب خود نهان دارد. افراد منافق که معمولاً به حسب ویژگی های شخصیتی به دنبال منافع فردی خود هستند نه منافع عموم، از منظر قرآن دارای ویژگی هایی هستند که براحتی قابل شناسایی می باشند. آنان نه تنها دروغ و گذاره های کذب را در گفت و گویشان به کار می گیرند بلکه با قسم هایی که بر آن می افزایند به دره ی هولناک شتاب می ورزند. صعود به قله های سعادت مخصوص بشر است، همچنان که سقوط به دره های شقاوت و نفاق نیز از جمله صفاتی است که معمولاً در انحصار انسان می باشد. از این رو شناخت صفات منافقین جهت بر ملا کردن چهره ی واقعی آنان امری بسی مهم و ضروری است. در قرآن کریم حول مساله ی نفاق و منافق آیات بسیاری وجود دارد و کتب فراوانی نیز به رشته ی تحریر درآمده است که بیشتر بر اساس تطبیق آیات و روایات و شناخت صفات منافقان می باشد که از جمله ی آنها می توان به کتاب دشمن شناسی از دیدگاه آیات قرآن نوشته ی سید کمال حسینی و کتاب شناخت منافقین نوشته ی علی حسینی یکتا اشاره کرد.^۱

در این تحقیق سعی شده است منشا پیدایش نفاق و شاخصه های نفاق از دیدگاه آیات بانگش موضوعی مورد تحلیل قرار گیرد.

^۱. حسینی یکتا، علی، «شناخت منافقین»، ج ۱، ص ۹۱؛ سید حسینی، کمال، دشمن شناسی

۱. اقسام نفاق

۱-۱. نفاق در ایمان

هرگاه فرد، خود را مؤمن به خدا و رسولش و قرآن و روز قیامت بنمایاند ولی در باطن مخالف همه یا بخشی از آنها بوده و کفر در سر داشته باشد، علیه مبانی اسلام و احکام نورانی آن فعالیت کند، قصد براندازی حکومت اسلامی را داشته باشد، با دشمنان اسلام و مسلمین طرح دوستی و همکاری ریخته و یا حتی از روی ترس، به علت حفظ جان و مال خود، اظهار اسلام و ایمان کند دچار نفاق بزرگی شده که آن "نفاق" در "اصل دین است و از آن به نفاق اعتقادی یاد می شود. در چنین نفاقی، شخص اگر چه در ظاهر خود را مسلمان معرفی کرده و اقرار به خدا و معاد و... می نماید در باطن معتقد نبوده و کفر در باطنش حضور کامل دارد زیرا معیار ایمان به خدا، اعتقاد قلبی است که منافقان از چنین ایمانی محرومند. به همین دلیل است که در قرآن کریم همان تعبیراتی برای کفار است "درک نکردن حقایق و..." دقیقاً برای منافقان نیز وجود دارد.^۱ چنین نفاقی انسان را زادایره ای مسلمان خارج و صاحب چنین نفاقی در اسفل سافلین جهنم قرار میگیرد چنانچه خداوند متعال می فرماید: "إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا".^۲ منافق کسی است که به طور پنهان پیام پیامبر "صلی الله علیه وآله" را که دین خداوند می باشد دروغ می پندارند، یا اینکه کتاب های آسمانی و فرشتگان و یا اصلی از اصول ایمان را دروغ پندارد چنین کسی منافق است.

۱-۲. نفاق در عمل

هرگاه فرد شعار دینداری بدهد، ولی نسبت به اجرای احکام دینی بی توجه باشد، یادر عمل، دستورات دین را رعایت نکند و هدفش از اظهار دینداری تنها رسیدن به منافع مادی و کسب موفقیت و منزلت اجتماعی خویش باشد. وجهت تهیه بستر مناسب برای اهداف خود به دورویی، چاپلوسی و اظهار محبت دروغین روی آورد، چنین فردی دچار نفاق شده است که از آن به "نفاق عملی" یاد می کنند.^۳ نفاق چنین فردی نسبت به اصول و ارکان دین نیست؛ یعنی وی به توحید، نبوت پیامبر اسلام، قرآن و روز قیامت معتقد است

^۱ طاهری، حبیب الله، اخلاق اسلامی، ص ۱۹۸

^۲ سوره نساء، آیه ۱۴۵

^۳ "هر آینه منافقان در فروترین طبقات آتش هستند و هرگز بر ایشان یاری نمی یابی"

^۳ الفریابی، محمد، صفة النفاق و ذم المنافقین، ص ۲۰

ولی در عمل یا نسبت به اجرای احکام پایبند نیست یا در معاشرت با مردم اصول و احکام اسلامی را رعایت نمی کند. بارزترین بخش "نفاق عملی" ریاکاری است که در قرآن مجید نیز به شدت مذمت شده است:^۱

بنابراین، نفاق او "نفاق اکبر" نفاق اعتقادی نیست، بلکه در مرتبه ای پایین تر از آن، یعنی نفاق "اصغر" است.^۲

۲. معیار و شاخصه های نفاق

برای تبیین پدیده نفاق، نیاز به اصول و معیارهای مشخصی است که افراد خود را با آنها بسنجند و در صورت لزوم، نه آنکه خود مرجع و معیار تشخیص نفاق و منافق باشند. برای این اساس می توان از تصریحات قرآن کریم معیارهای نفاق را استخراج کرد:

۲-۱ عدم اعتقاد به خدا

اعتقاد به خدا و قیامت، مسائل پیش پا افتاده و بی اهمیتی نیستند که بتوان به راحتی از کنارشان گذشت و بدون اعتقاد به هیچ دلیلی آن ها را انکار کرد. به حکم یقینی عقلی در این امور هم اثبات نیازمند دلیل است هم انکار. منافقین برخلاف آنچه که می گویند، به خداوند اعتقاد راسخی ندارند و بر همین اساس به احکام دینی تنها به مصلحت پای بندند، در ظاهر و محیط عموم متدینند و در خلوت و حریم خصوصی مشرک. در حضور مومنان خداوند را تکریم می کنند و در محافل خود به به تمسخر می گیرند، بنابراین ریا یکی از خصوصیات بارز منافقین است، البته نه به آن معنا که هر کس ریاکار است، منافق عقیدتی است، بلکه ریاکاری یکی از مراتب عملی و خصوصیات منافقین است. منافق در همان اول سوره بقره به عنوان کسی که به زبان چیزی رامی گوید که در دل اعتقادی به آن ندارد. می گوید ما ایمان داریم به خدا و قیامت در حالی که ایمان ندارد.^۳ "وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ". برای همین منافق تعریفی که در عرف پیدا کرده است به انسان دورو یا دو چهره یا به انسانی که زبانش بادلش یک سو نباشد گفته شده است.

۲-۲ عدم تقوی:

^۱ سوره نساء (۴)، آیه ۳۸

^۲ مصدق، صفیه، شاخص های نفاق از منظر قرآن، ص ۷۴-۷۷

^۳ "سوره بقره (۲)، آیه ۸ پاره ای از مردم می گویند: به خدا و روز قیامت ایمان آورده ایم. حال آنکه ایمان نیاورده اند"

درمتون اسلامی، تقوا به عنوان یک هدف ارزشمند مطرح شده است. تقوا در آیات و روایات عامل رستگاری و سعادت انسان و یکی از هدف های نزول قرآن معرفی شده و رعایت آن مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. تصریح قرآن کریم در سورره توبه در معرفی بانیان مسجد ضرار بر عدم تقوی و تجاوز آن ها از حدود الهی استوار است، کسانی که ه تقوای الهی پایبند نیستند و از حریم ها به آسانی گذر میکنند: از منظر قرآن، فقط اعمال متقیان پذیرفته است و به کاری که بنیان آن بر اساس تقوا نباشد، هرگز اعتنایی نیست هرچند ساختن مسجد باشد.^۱ "وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا...".^۲ در این آیه مقایسه ای بین مومنانی که مسجدی برپایه تقوا بنا کردند و میان منافقان که شالوده آن را بر کفر و نفاق و تفرقه قرار می دهند، به عمل آمده است.

۲-۳. افراط در تظاهر:

منافقین به جهت تقویت جایگاه خود و جلوگیری از نمایان شدن نیت واقعی شان، به مقدس مایی می پردازند. اگر انسان کاری برای جلب توجه مردم انجام دهد تظاهر اطلاق می شود و اصطلاحاً کار خوبی که انسان برای نشان دادن به مردم نه برای رضای خدا انجام می دهد را ریا و تظاهر گویند. در صورت خارج شدن از اعتدال اگر زیاده روی در امری انجام گیرد به آن افراط و در صورت کم کاری به آن تفریط می گویند. ریاکاری در نماز از ویژگی های منافقان و نشانه های نفاق به شمار رفته است: "إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ..."^۳ منافقان می خواهند خدا را فریب دهند و هنگامی که به نماز برمی خیزند و با کسالت برمی خیزند و در برابر مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی نمایند.

۳- مفهوم شناسی نفاق

واژه ی نفاق: نفاق در لغت از ماده نفق گرفته شده است و در اصل "از نفاقاء الیربوع (حفره های خانه موش) گرفته شده است".^۱ این واژه ریشه ی دوم معنای دارد که یکی بر قطع شدن و از بین رفتن چیزی و دیگری بر مخفی نمودن و چشم پوشی از چیزی دلالت می کند. (ابن فارس، ۱۴۵، ماده نفاق)؛ یا ممکن است هر دو از یک ریشه گرفته شده باشند، به معنای خروج که در نفاق مال از کیسه خارج می شود و در نفاق، ایمان منافق در خفا از بین می رود.^۲ و به سوی کفر خارج شده است برخی نفاق را از "نفق" به معنی شکاف دانسته

^۱سوره توبه (۹)، آیه ۱۰۷. "آنهایی که مسجدی می سازند تا به مؤمنان زیان رسانند...".

^۲سوره نساء (۴)، آیه ۱۴۲. "منافقان خدا را فریب می دهند، و حال آنکه خدا آنها را فریب می دهد...".

^۳ محمدی، حمیدمفردات قرآن، ص ۲۹۰

کلام الهی در این خصوص می فرماید: "وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَؤُن" ^۱

هنگامی که افراد با ایمان را ملاقات می کنند ، می گویند : ما ایمان آورده ایم ولی هنگامی که با شیطان های خود خلوت می کنند، می گویند ما با شما ایم مافقط آنها را مسخره می کنیم .

۵-۴-۲ سر دادن شعار اصلاح وایمان :

منافقان همیشه با ظاهر اصلاح گری وایمان خواهی در جامعه، واهداف پلید خود را دنبال می کنند برای مثال می توان جریان مسجد ضرار را که با شعار دهان پر کنی همچون کمک به بیماران و معذوران بیان شد، اما در واقع هدفی جز ضربه زدن به اجتماع مسلمانان نداشت، مطرح نمود: "وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ...." ^۲

خداوند در این آیات به یکی دیگر از توطئه های منافقان اشاره دارد، این آیات درباره گروه دیگری از منافقان است که برای تحقق بخشیدن به نقشه های شوم خود اقدام به ساختن مسجدی در مدینه کردند که بعدا بنام (مسجد ضرار) معروف شد. ^۳

۵-۴-۳ خود را عزیز و دیگران را ذلیل دانستن:

قرآن کریم می فرماید: "يَقُولُونَ لئن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَ...." ^۴

می گویند (منافقان و عبدالله آبی) اگر ما به مدینه وارد شویم هر آینه بیرون کند آنکه عزیز تر است آن را که خوارتر است ، یعنی من (عبدالله آبی) ، رسول را بیرون کنم ^۵

صفات دیگری نیز می باشند که به منظور اجتناب از تطویل بحث ، آنها را به صورت اجمال فقط نام می بریم: سود جویی (توبه ۵۸) ، عیب جویی مؤمنان (بقره ۱۴) خود را مالک همه چیز دانستن و دیگران محتاج خود پنداشتن (منافقون ، آیه ۷) و..

^۱ .سوره بقره (۲)، آیه ۱۴ (و چون مؤمنان را می بینند می گویند: ما ایمان آورده ایم و

^۲ .سوره توبه (۹)، آیه ۱۰۷ تا ۱۱۰ (و کسانی که مسجدی برای ضرر زدن و (تقویت) کفر و تفرقه میان مؤمنان و

^۳ .حسینی همدانی، پیشین، ج ۱، ص ۳۹۹

^۴ .سوره منافقون (۶۳)، آیه ۸

^۵ .سور آبادی، ابوبکر بعثیق بن محمد، پیشین، ج ۴، ص ۲۶۱۰

۵-۴-۴ کینه توزی :

قرآن در آیات مختلفی از کینه و عداوت شدید منافقان نسبت به مؤمنان خبر می دهد. به گونه ای که این حالت از رفتار و گفتار آنان مشاهده می گردد از جمله آیه "وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَّيَبْطِئَنَّ فَإِنْ أَصَابَكُمْ مُصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا"^۱

بعضی از مفسرین گفته اند مراد از جمله (وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَّيَبْطِئَنَّ) مردم منافق است که با مسلمانان معاشرت دارند و به ظاهر دعوی اسلام می نمایند پروردگار سوگند یاد کرده که این مردم منافق در اثر اینکه با کفار و مشرکین همدست و همکیش هستند بهانه جویی می نمایند و هرگز به کمک مسلمانان در جنگ با کفار شرکت نمی کنند.

نتیجه گیری:

از مجموعه مطالب مطرح شده به این نتیجه می رسیم که : از منظر قرآن کریم، منافقین به دلیل نفاق و دورو بودن براحتی قابل شناسایی نیستند به همین دلیل خطرناک ترین افراد یک جامعه هستند. قرآن کریم با نزول قریب به سیصد آیه در سیزده سوره (بقره، آل عمران، نساء، مائده، انفال، توبه، عنکبوت، احزاب، فتح، حدید، حشر، منافقین و تحریم) اهتمام زیادی به شناساندن و افشای چهره و صفات منافقان داشته است و همچنین در قرآن سوره ای بانام منافقون نازل شده است. در خلال این آیات ویژگیهای مختلفی از جمله تمسخر مؤمنان، لجاجت، امر به بدی و نهی از خوبی، فتنه گری، دوستی با بیگانگان، فرصت طلبی، سوگند دروغ، کسالت و خودنمایی در عبادت، زبان لوسی و زیاد گفتن و.... مکشوف می گردد که با شناخت و عمل به این دستورات می توان منافقین را بهتر شناخت و نقشه های آن ها را خنثی نمود و از آسیب های آنان مصون محفوظ ماند.

۲. سوره نساء (۴)، آیه ۷۲ (و بدانید که بعضی از شما هستند که در کوچ کردن پا به پا می کنند، همین که مصیبتی به شما برسد

منابع و ماخذ

* قرآن

۱. آمدی تمیمی، عبد الواحد؛ غررالحکم ودررالحکم، تحقیق سید جمال الدین ارموی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۰..
۲. اسلامی، محمد جعفر، شأن نزول آیات، تهران، نشرنی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۳. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، بی جا، چاپ اول، بی تا.
۴. حسینی کریم سید محمد، دوچهره گان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۵. محمدی، حمید، مفردات قرآن، قم، مجتمع ناشران، چاپ نهم، ۱۳۹۴.
۶. حسینی یکتا، علی؛ شناخت منافقین، چاپ اول، قم، انتشارات دانش وادب، ۱۳۸۱.
۷. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتاب فروشی لطفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۸. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، قم، مجتمع ناشران، چاپ هشتم، ۱۳۹۶ ش.

۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه ،تهران، انتشارات سیروس، ۱۳۳۶.
۱۰. رشاد، علی اکبر، اخلاق سلوک، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۱. رهنما، زین العابدین، تفسیر رهنما، تهران، کیهان، ۱۳۴۶.
۱۲. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، تفسیر سورآبادی، تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۱۴. سبجانی، جعفر؛ دشمنان دوست نماها، واحد تحقیقات اسلامی، تهران، ۱۳۶۱.
۱۵. شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، محمد باقر قم، ۲۱، دفتر انتشارات اسلامی، جامع مدرسیین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۷. طبرسی، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران دارالکتب اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
19. قویدل، مصطفی، "منافقان در قرآن"، (www.hoZeh.Com).
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ق.
۲۱. نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.
۲۲. مصدق، صفیه، شاخص های نفاق از منظر قرآن کریم، قم، مجتمع ناشران، چاپ اول، ۱۳۹۵.

